

خیابان‌های خلوت

بر خلاف صبح که همه خیابان‌های اصلی و بزرگراه‌ها قفل شده بود، عصر روز شنبه معابر بزرگ خلوت شده است. گروهی از تهران رفته‌اند و گروهی که نگران بودند فرزندانشان را از مدرسه بر داشته و به خانه رسانده‌اند. خیابان‌های فرعی

صبح شیشه‌های شکسته

گزارشی از میدان ۷۲ نارمک که مورد حمله قرار گرفت



خاکبرداری
مامورها اطراف میدان را با نوارهای پلاستیکی زرد رنگ خطر بسته‌اند. از ابتدای «پست شادی» نمی‌شود جلوتر رفت. هر قدر اصرار می‌کنیم نمی‌گذارند وارد میدان شویم. از پشت نوار می‌شود محل اصابت را دید ولی فیلم گرفتن یا گوشی ممنوع است. ساختمان کاملاً تخریب شده است. گریدر و کامیون در حال خاکبرداری هستند. ماشین آتش‌نشانی و آمبولانس آماده ایستاده‌اند. کارگران شهرداری هم در میدان مشغول کار هستند. فقط کسانی که اهل خانه‌های دور میدان باشند می‌توانند وارد شوند. یک مأمور با بلندگو از جمعیت می‌خواهد که عقب بروند و می‌گوید: «نهایتین جلو. شیشه شکسته اینجا، ممکنه بریزه پایین. زخمی می‌شین. نهایتین»
فقط ساختمان‌های قدیمی آسیب ندیده‌اند. شیشه‌های ساختمان ۵ طبقه نوساز که کنار نوار زرد رنگ قرار دارد خرد شده. شدت انفجار قسمتی از سنگ نمای طبقه اول را هم کنده است. فقط پیاده‌ها هستند که به سمت میدان ۷۲ می‌روند. خودروهای سواری و موتورسیکلت‌ها هم فرمان را کج می‌کنند و می‌خواهند صحنه حادثه را ببینند. ماموری که بلندگو دارد یکسره از همه می‌خواهد که عقب بروند و می‌گوید: «موتور جلوتر نیا. دور بز. بر گرد.» از اهالی محله درباره شهیداسؤال می‌کنیم. بپیرمردی که یک میدان بالاتر زندگی می‌کند می‌گوید: «۲ نفر شهید شده‌اند که از نگاهان‌های ساختمان بوده‌اند. از مامورانی که مسیر را بسته‌اند می‌پرسم. نمی‌خواهند صحبت کنند اما یکی از آنها می‌گوید که ۵ شهید داشته‌اند.»

محمد سربابی روزنامه‌نگار | ساعت ۱۰ صبح صداي انفجار شدیدی محله نارمک را تکان داد. میدان ۷۲ هدف قرار گرفته بود. موج انفجار شیشه‌های ساختمان‌های اطراف را تا چند خیابان دور تر شکست. اهالی محله بیرون آمدند و دیدند ساختمان ابتدای کوچه‌ای که خانه محمود احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور سابق ایران در آن قرار دارد کاملاً تخریب شده است. ساعتی بعد از حمله مشترک رژیم صهیونیستی و آمریکا به پردیس مرکزی شهر تهران در محله پاستور، دیگر نقاط شهر تهران هم با حمله‌های پراکنده دشمن روبرو شد.

جامعه امروز
انفجار شدیدی محله نارمک را تکان داد. میدان ۷۲ هدف قرار گرفته بود. موج انفجار شیشه‌های ساختمان‌های اطراف را تا چند خیابان دور تر شکست. اهالی محله بیرون آمدند و دیدند ساختمان ابتدای کوچه‌ای که خانه محمود احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور سابق ایران در آن قرار دارد کاملاً تخریب شده است. ساعتی بعد از حمله مشترک رژیم صهیونیستی و آمریکا به پردیس مرکزی شهر تهران در محله پاستور، دیگر نقاط شهر تهران هم با حمله‌های پراکنده دشمن روبرو شد.



آماده‌باش داوطلبان هلال احمر

پس از حمله‌های صبح نهم اسفند، ارگان‌های امداد رسانی کشور مانند هلال احمر، اورژانس و آتش‌نشانی در شرایط آماده‌باش قرار گرفتند. این ارگان‌ها که برای فعالیت در شرایط اضطراری آموزش دیده و آمادگی کامل دارند خدمت‌رسانی به هموطنان را برای تأمین نیازهای ضروری و رفع موقعیت‌های بحرانی انجام می‌دهند. در جنگ ۱۲ روزه و دیگر حوادث اسفند مانند سیل و بارش برف نیز هلال احمر آمادگی خود را به نمایش گذاشت و داوطلبان آن به کمک هموطنان شتافتند. در نخستین اطلاعیه سازمان هلال احمر که ساعت ۱۱ صبح منتشر شد، آمده است که آماده‌باش کامل هلال احمر با هدف ارتقای توان پاسخگویی سریع و ارائه خدمات امدادی و انسانی در شرایط اضطراری اتخاذ شده است. تیم‌های امداد و نجات، بالگردها، تجهیزات لجستیکی، واحدهای پزشکی و پشتیبانی در حالت آماده به کار هستند تا در صورت بروز هر گونه حادثه، حادثه‌دیدگان را در کوتاه‌ترین زمان ممکن یاری دهند. وظایف اصلی نیروهای آماده‌باش شامل آسیب‌دیدگان، هماهنگی با سایر نهادهای ذی‌ربط، استقرار و فعال سازی پایگاه‌های امدادی و همچنین ارائه خدمات اولیه درمانی و حمایتی اعلام شده است. هلال احمر از شهروندان خواسته است که اخبار رسمی را از منابع معتبر دنبال کنند، از هر گونه شایعه و اطلاعات غیر رسمی پرهیز کنند و در صورت نیاز با شماره‌های امدادی تماس بگیرند.

نیروها مستقر هستند
در اعلامیه دوم هلال احمر که یک ساعت بعد در اختیار رسانه‌ها قرار گرفت، این ارگان خبر داد که تمام تیم‌های واکنش سریع جمعیت هلال احمر در نقاط مورد اصابت قرار گرفته مستقر شده‌اند، تیم‌های جست‌وجو و نجات با تجهیزات کامل مربوط به امداد رسانی و آواربرداری در حال ارائه خدمات به آسیب‌دیدگان در مناطق مورد هدف قرار گرفته هستند. داوطلبان جمعیت هلال احمر در حالت آماده‌باش هستند و در صورت نیاز، به پایگاه‌های جمعیت هلال احمر فراخوان می‌شوند. از آنجا که بخشی از فعالیت هلال احمر شامل توزیع داروهای ضروری در کشور است در این اطلاعیه تأکید شد که داروخانه‌های هلال احمر در سراسر کشور فعال بوده و به ارائه خدمات خود ادامه می‌دهند. همچنین مرکز عملیات اضطراری جمعیت هلال احمر فعال شده و در حال رصد و پایش خدمات سراسری هلال احمر در مناطق مختلف کشور است.

داشته‌اند و حال پیش از ۸۵ دانش‌آموز دختر در میناب هدف حمله هوایی اسرائیل و آمریکا قرار گرفتند. کاربری نوشته است: «این هم استمرار کودکی

کودک‌کشی از غزه تا میناب
در تمام ۲۰ روز گذشته رسانه‌ها و فعالان مجازی فارسی‌زبان اسرائیلی می‌نوشتند که مدارس در ایران ناامن است و فرزندانشان را به مدرسه نفرستید. نگو نقشه کشتار کودکان ایرانی را



گزارش

صبحی که با انفجار بیدار شد

روایت مردم کوچه و خیابان از حمله رژیم صهیونیستی و آمریکا به تهران در صبح نخستین روز هفته



گزارش
صبح روز نهم اسفندماه در حالی که بهار زودتر از موعد رسیده و درختان تهران سبز شده‌اند و شکوفه داده‌اند، وقتی بچه‌ها در مدرسه و کارمندان در ادارات بودند و مغازه‌دارها تک و توک کرکره مغازه‌شان را بالا می‌بردند، در ست‌رأس ساعت ۹:۴۱ صدای مهیبی تهران را پر کرد و نفس در سینه شهر حبس شد. ناگهان صدای انفجار مثل موجی سنگین روی تهران افتاد؛ شیشه‌ها لرزید، مکالمه‌ها نیمه‌کاره ماند و

نگاه‌ها هراسان به سمت آسمان چرخید. تلفن‌ها بی‌وقفه زنگ خورد، مادرها نام بچه‌ها را صدا زدند و در کوچه‌ها، مردم با چشمانی پر از سؤال کنار هم ایستادند. پس از شنیدن صدای انفجارها بود که اسرائیل اعلام کرد که با کمک آمریکا به ایران حمله پیش‌دستانه کرده و شهر باز در بهت فرو رفت. گزارش زیر روایتی از افرادی است که در تهران شاهد این حمله وحشیانه بودند.

مادرها در جست‌وجوی فرزندان
چند ساعتی از صبح گذشته بود که شهروندان تهران صدای انفجارهای شدید در چند نقطه شهر را شنیدند. برخی روایت‌ها از حمله مناطق مرکزی مثل خیابان دانشگاه و خیابان جمهوری حکایت دارد که انفجارها چنان مهیب بود که مردم کوچه و خیابان تمام کارها را نیمه‌کاره گذاشتند و با هراس و نگرانی به تماشای دودی که به سرعت فاصله میان زمین و آسمان را طی می‌کرد، نظاره می‌کردند. یکی از ساکنان شرق تهران که هنوز نتوانسته وحشت صدای انفجار را هضم کند، در مورد لحظات اولیه حمله مشترک اسرائیل و آمریکا می‌گوید: «انفجار اول را بالرزش خانه حس کردیم... است. الان که اخبار را شنیدیم، دلم پیش خانواده آن بچه‌های مدرسه میناب است. آخرین بچه‌ها چه گناهی داشتند؟» صبح دیروز مثل روزهای گذشته آرام شروع شد، اما ساعت به ۱۰ نرسیده بود که همه چیز تغییر کرد و حمله نظامی اسرائیل و آمریکا به کشورمان، آرامش مردم تهران را به نگرانی و اضطراب تبدیل کرد.

وزارت نفت و سایر شرکت‌ها بیرون ریختند. مادری با کودکی که مریض به بغل بیمارستان تخصصی کودکان بیرون می‌آمدند و به اطراف می‌دویدند. شهر در بهت و نگرانی جنگ فرو رفت و من که زنی باردار بودم، به قدری ترسیدم که جنینم در من تکان‌های شدیدی وحشت‌زده می‌خورد. با بدبختی و بعد از ۳ ساعت به خانه رسیدم و خودم را در آغوش کشیدم. این جنگ ملادران بسیاری را داغدار خواهد کرد.»

ولیعصر آمدم و بعد به سمت چهارراه طالقانی پیچیدم که صدای ۳ انفجار مهیب از جنوب شهر آمد. صدای خیلی نزدیکی بود. کمتر از ۳۰ ثانیه معلوم شد حوالی پاستور را زده‌اند. همان لحظه خیابان خلوت شلوغ شد، هر کسی به سمتی می‌دوید. پسران مدرسه‌ای که به دور اول متوسطه می‌خوردند با لباس یونیفرم با چهره‌های وحشت‌زده می‌دویدند و من احساس بی‌پناهی می‌کردم. صدای انفجار و پادفند در هم شده بود و کم‌کم کارمندان

وحشتی که همه را بلعید
رضا حسینی کارمند یک بانک است و در میان صحبت‌هایش نمی‌تواند شوک حمله نظامی در میانه مذاکرات را پنهان کند. او می‌گوید: «من کارمند بانک هستم. بانک ما در خیابان جمهوری است، پشت بامه بودم که صدای ۳ انفجار وحشتناک شنیدم. پیرزن آن‌ور باجه زبانش بند آمد. یک آن همه جا را گرد و خاک برداشت و مردم سوار اتوبوس تندرو پیاده شدند و وحشت‌زده هر کدام به سمتی می‌دویدند. تا ۲ ساعت بعد ترس و وحشت در این نقطه شهر آفتاب زود بود که مردم نمی‌دانستند کار می‌کنند. تف و لعنت بود که نثار ترامپ و نتانیاهو می‌کردند. حمله وحشیانه آن هم در روز روشن و وسط مذاکرات نشان داد که آنها فقط دنبال جنگند.»

ساعت حمله

احمدی که مانند هر روز برای رسیدن به محل کار، سوار بر اتوبوس‌های شهری شده بود، در مورد آن لحظاتی که موشک در آسمان تهران رویت شد، می‌گوید: «ساعت به ۱۰ نرسیده بود که عابران و رهگذران خیابان ولیعصر با شنیدن صدای انفجاری که لرزه بر تن ساختمان‌های خیابان انداخته بود، از حمله باخبر شدند. صدای فریادهای گوش‌خراش و بلندتی که با وحشت دود پیچیده در آسمان را دنبال می‌کردند، لابه‌لای اختلاط‌های روزمره مردم پیچید. خیلی‌ها جلوی خودشان را گرفتند اما خیلی‌ها وسط جمعیت نتوانستند جلوی اضطراب خود را بگیرند و با چشمان گریان به آسمان نگاه می‌کردند.»

